



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

نیاز جدی به تولید ادبیات همدیگرپذیری در شرایط کنونی افغانستان

نویسنده: پوهنیار سید مصطفی سعیدی

7 قوس 1400

مقدمه:

در شرایط کنونی که افغانستان را مصایب جدی و بحران‌های خطرناک تهدید می‌کند، فقر اقتصادی، مشکلات سیاسی، ناهنجاری‌های اجتماعی و در کنار آن همه، روحیه‌ی گسست اجتماعی و عدم همدیگرپذیری مردم این سرزمین که خود باعث تقویت بحران‌ها و مصایب بیشتر گردیده و می‌گردد.

تجربه ثابت کرده است که هر زمانی که شهروندان این مرزوبوم بدون تعلق زبان و قوم و رنگ و مذهب در کنار هم قرار گرفته اند، بر بزرگترین مشکلات و چالش‌ها فایق آمده‌اند و بدترین بحران‌ها را مهار و به فرصت تبدیل کرده اند؛ و برعکس هر زمانی که آتش نفاق، کینه‌توزی، همدیگرناپذیری، تحمل‌ناپذیری و خود بزرگ‌بینی قومی بر قوم دیگر یا گروهی بر گروه دیگر شعله‌ورتر گردیده، کشور به سوی بدبختی، ناهنجاری، عقب‌ماندگی و بحران‌های خطرناک‌تر دیگر سوق داده شده و حتی دست‌آوردها و امکانات موجود همه از بین رفته و سیر قهقراپی را پیموده است.

تولید ادبیات همدیگرپذیری و تبلیغ، ترویج و نهادینه‌سازی تساهل، مدارا و تسامح که ریشه در آموزه‌های انسان‌ساز اسلام و ادبیات و عرفان اسلامی آریانای بزرگ، خراسان تاریخی - تمدنی و افغانستان امروز دارد، می‌تواند خیلی موثر و کارساز تمام گردد.

در این مقاله روی چيستی تولید ادبیات همدیگرپذیری، موثریت و راهکارهای نهادینه سازی و تبلیغ آن به بحث و بررسی می‌پردازیم.

ادبیات همدیگرپذیری چیست؟

در قدم نخست باید با در نظر داشت وضعیت کنونی کشور و ناهنجاری‌های که از اثر چندین دهه خشونت، جنگ، ناامنی و گسترش آن در سطح کشور رخ داده است؛ صبر، برده‌باری، عدم تحمل یکدیگر و گذشت را از بین برده و در هر زمینه مسله‌ی قوم، زبان، نژاد و گرایش سیاسی ملاک عمل گردیده و با کم‌ترین بحث و گفت‌وگو، به جدال و جنگ متوسل می‌شویم، نیاز است که یکبار در مورد چيستی همدیگرپذیری دقت داشته باشیم.

در آموزه‌های انسان‌ساز اسلام و نیز در ادبیات پربار تعلیمی - عرفانی ما، همدیگرپذیری، صبر، توکل، نیکی با هم‌نوعان، گذشت، رعایت حقوق دیگران و احترام به ارزش‌های انسانی جایگاه بلند و رفیع داشته و در آیات قرآن

کریم و نیز احادیث گهربار پیامبر بزرگ اسلام و نیز در سیره‌ی آن حضرت (ص) و همین گونه در آثار عارفان و صوفیان و دانشمندان بزرگ این حوزه هرگاه با دید ژرف نظر انداخته شود، به وضاحت دیده می‌شود، که یک مورد در راستای نقض موارد یادشده و نیز جنگ و جدال و شکستادن عهد و پیمان و تعذیب انسان‌ها، ظلم و تعدی و تجاوز بر جان، مال و حیثیت انسان، شاهد نیستیم، بلکه همواره تاکید بر رعایت حقوق یکدیگر و احترام به هم‌نوعان و تاکید بر زیست مسالمت‌آمیز و دوری از افراط‌گرایی و دگم‌اندیشی بوده است.

پس زمانی که به وضعیت کنونی کشور که یکی از دلایل ادامه‌ی جنگ و بحران چه به سطح کوچک و چه به سطح بزرگ؛ آن را دوری از همدیگرپذیری محاسبه می‌کنیم، به وضوح دیده می‌شود که هم از آموزه‌های انسان ساز اسلام دور شده‌ایم و هم به اندیشه‌های بزرگان عرفان و ادبیات و تصوف این مرزوبوم توجهی نکرده‌ایم.

در کشورهای چند قومی و دارای تعدد مذهبی، اندیشه‌ها و برداشت‌های متفاوت و بعضاً متضاد و متناقض از تمام مفاهیم به کاررفته در زندگی سیاسی و اجتماعی، هم می‌تواند فرصت‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار همدیگر فراهم کنند و هم می‌تواند تهدید باشد و زندگی جامعه بشری را تبدیل به ویرانه و قربانگاه انسانی کنند. به عبارت دیگر؛ در کشورهای دارای کثرت قومی و مذهبی، پذیرش مفاهیم حقوق بشر، دموکراسی، کثرت‌گرایی و همدیگرپذیری؛ گذار به حاکمیت مردم و زندگی انسانی می‌باشد.

در طول تاریخ تفکر و اندیشه بشری، زمانی که حوادث و رویدادهای گذشته ملت‌ها و حکومت‌ها را به صورت جدی تحلیل، تفسیر و ارزیابی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم، که قتل‌عام‌ها، کشتارها، کله‌منارها، ویرانی‌ها، تباهی‌ها و مهاجرت‌های که بر سر جامعه بشری آمده و تحمیل شده است، معلول عواملی بوده‌اند که ریشه‌های آنها را می‌توان در قرائت‌های رادیکالی مذهبی و دینی پیدا کرد و در همان بستر زمانی و مکانی می‌توان تحلیل و علت‌یابی کرد.

جوامع امروزی با همه پیشرفت‌های که در تمام عرصه‌های مختلف: سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، نظامی، تعلیم و تربیه، مسائل دینی و مذهبی، علم و فرهنگ، هنر و سینما و ورزش به کمک به‌روزترین امکانات و تجهیزات ارتباطی، شبکه‌ها و فضاها مجازی به وجود آمده‌اند، هنوز هم اخلاق و اصول نیک اجتماعی و انسانی زیستن به مفهوم واقعی کلمه؛ فرهنگ سازی و نهادینه نشده است.

پس برای اینکه جامعه‌ی قانون‌گرا و فضیلت‌محور و ارزش‌گرا داشته باشیم، نهادینه‌سازی فرهنگ تسامح، تساهل و همدیگرپذیری از ضروریات بنیادین جامعه پنداشته می‌شود. بدون درک یکدیگر، بدون احترام به دیدگاه و

اندیشه‌ها و باورهای همدیگر، بدون قایل شدن ارزش به موجودی به نام انسان جدایی از زبان، قوم و فکر سیاسی آن، ره به جایی نمی‌توان برد.

راهکارهای ترویج و نهادینه‌سازی تحمل و همدیگرپذیری

در بخش پیشین به چپستی و نیاز اساسی به تحمل و همدیگرپذیری اشاره نمودیم، حالا با درک این امر مهم و مبرمیت موضوع به راهکارهای نهادینه‌سازی فرهنگ تحمل و همدیگرپذیری می‌پردازیم.

در این شکی نیست که ما در جامعه‌ی زنده‌گی می‌کنیم که در چند دهه‌ی پسین بدترین نوع خشونت‌ها، جنگ و ناامنی و حق تلفی‌ها را شاهد بوده است، کشتارهای دسته جمعی، تاراج اموال و خانه‌ها، مهاجرت و آواره‌گی‌ها، حق تلفی‌های سیاسی- اجتماعی، تمرکز قدرت در دست یک یا چند قوم و حزب، توزیع ناعادلانه‌ی منابع و فساد اداری و قانون شکنی و... همه و همه باعث آن گردیده تا ذهنیت‌ها و افکار خورد و بزرگ ما مخشوش، تند و واکنشی گردد، با کمترین تحمل در برابر عادی‌ترین مسله با سیلی از انتقاد، تندروی، بدرفتاری و زشت گفتن متوصل می‌گردیم، اینها همه نشانگر این است که چهل سال پسین ضربه‌های محکم و کاری در روح و روان همه‌ی ما کوبیده است و قدرت تحمل، گذشت، صبر و ارایه‌ی پاسخ منطقی به جایی واکنش تهاجمی را از ما گرفته است.

مهم‌ترین راهکارهای ترویج و نهادینه‌سازی تحمل پذیری و فرهنگ همدیگرپذیری

به باور نویسنده سه راهکار زیر دست‌کم می‌تولند به مثابه‌ی آغاز خوب برای تولید و عملی شدن ادبیات همدیگرپذیری باشد:

1) به باور ما آموزش آموزه‌های انسان ساز اسلام و تلقین اندیشه‌های معتدل عارفان و صوفیان گرامی که فرهنگ و ادبیات کشور ما از آریانای بزرگ تا خراسان اسلامی و تا افغانستان امروز مالامال و سرشار است از دوران کودکی و پیش از دوره‌ی مکتب و مدرسه و جلوگیری از آموزش هر نوع اندیشه‌ی افراطی و تفریطی و استفاده از زبان و اصطلاحات نرم، مثبت و با بار معنایی خوب و آموزش تحمل و همدیگرپذیری از دوران کودکی، تقویت فرهنگ تحمل در محیط درسی و اکادمیک، بارور ساختن تحمل با تربیت والدین در وجود فرزندان، تمرکز روی نکات مثبت خود و دیگران، سرمایه‌گذاری تبلیغی روی مشترکات دینی،

فرهنگی و کشوری میان اقوام، آماده ساختن ذهن برای پذیرش انواع توهین و تحقیرها، آماده کردن پاسخ مثبت در مقابل برخورد نادرست دیگران، کاهش توقع گسترده از دیگران، مشوره با دانشمندان و بزرگان، ترک محل نزاع و عصبانیت، از مهم ترین راهکارها برای تقویت مدارا و تحمل در وجود افراد به شمار می رود.

(2) نویسندگان، روشن فکران، استادان، خبره گان، پژوهشگران، رسانه ها، کارگزاران نهادهای فکری، دانشگاهیان و اهل تفکر، امامان مساجد و خطیبان تکیه خانه ها، عارفان و صوفیه ی کرام و اهل خانقاه، علمای دین و دانش جویان و دانش پژوهان همه و همه مسوولیت دارند تا درحدهای تولید ادبیات صلح، تحمل، برده باری، همدیگرپذیری، صبر و شکیبایی و نهادینه سازی فرهنگ مدارا و تسامح و تساهل و جلوگیری از اندیشه های افراطی و تفریطی و دگم اندیشی ها و ممانعت از ترویج عصبیت های مذهبی، فکری و زبانی با تولید ادبیات و کارهای تحلیلی- پژوهشی دست یازیده و مسوولیت های انسانی- دینی خود را ادا نمایند.

(3) پس از خانواده، از مدرسه و مکتب، از کوچه و بازار، از دانشگاه و پژوهشگاه و از دفتر و سازمان شروع کنیم و در پی تولید ادبیات مدارا و نهادینه سازی فرهنگ همدیگرپذیری باشیم.

در غیر آن بیم آن می رود که اگر همه خاموشی اختیار کنیم و روزبه روز روحیه ی تحمل و همدیگرپذیری در جامعه به صفر تقرب کند و بحث و منطق و تفکر جای خود را به مناقشه های بی مورد و جدال و جنگ بدهد و در عادی ترین موضوع به جای استدلال و بحث، درگیری و واکنش های زبانی- فزیکی صورت گیرد، آن زمان نهادینه سازی فرهنگ مدارا و تحمل و همدیگرپذیری دشوار و محال خواهد بود. پس تا دیر نشده از خانواده، از مدرسه و مکتب، از محل زندگی و بازار، از دانشگاه و پژوهشگاه و از دفتر و سازمان شروع کنیم و در پی تولید ادبیات مدارا و نهادینه سازی فرهنگ همدیگرپذیری باشیم.

نتیجه گیری:

با این تحلیل کوتاه به این نتیجه می رسیم که جامعه ی امروزی ما نیاز جدی به مدارا و همدیگرپذیری دارد، جامعه ی که از اثر خشونت، جنگ و ناامنی و تهاجم فرهنگ بیگانه و نیز از اثر فراموشی و پشت پا زدن به آموزه های اعتدالی اسلام و دوری از آرا و اندیشه های بزرگان عرفان و تصوف و مفکوره های آنها که توسط آثار گرانسنگ شان به ما رسیده است، آسیب های کلانی را متحمل شده است، بایستی این امر مهم جدی پنداشته

شود و همه با هم برای تولید ادبیات مدارا و تحمل و همدیگرپذیری، مجدانه، مسوولانه و متعهدانه تلاش کنیم، در غیر آن پیامدهای این وضعیت به بحران‌های خطرناک و فاجعه بار منتج خواهد شد.

امروزه افغانستان به همان اندازه که از ناامنی، فساد و افراط‌گرایی متضرر شده و درد دیده است، از عدم تحمل‌پذیری و نبود مدارا و گذشت نیز رنج می‌برد، اگر برای رفع این معضل بزرگ اجتماعی که در این تحلیل یاد کردیم برنامه‌ی و راهکاری سنجیده نشود و به آن پرداخته نشود، خود باعث فاجعه‌ی دیگر خواهد شد، زیرا آثار آن را در زندگی روزمره و در جریان تعاملات روزانه‌ی خود شاهد هستیم.

به امید روزی که شاهد جامعه‌ی استوار بر فرهنگ زیست مسالمت‌آمیز و مدارا محور و به دور از خشونت و افراط و تفریط باشیم.